

به نام خدا

## معاونت در جرم

نویسنده: هوشنگ اسمعیل زاده خلیل آباد

ناشر: پایگاه مقالات حقوقی حق گستر

[www.haghgostar.ir](http://www.haghgostar.ir)

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	مقدمه
۲	فصل نخست : معاونت در جرم
۳	گفتار اول : عنصر مادی معاونت در جرم
۳	مبحث اول : رفتار مادی
۹	مبحث دوم : اوضاع و احوال حاکم بر معاونت در جرم
۱۰	مبحث سوم : رابطه سببیت
۱۱	گفتار دوم : عنصر روانی معاونت در جرم
۱۱	فصل دوم : مجازات معاونت در جرم
۱۴	فهرست منابع

## مقدمه

یکی از مباحث اساسی در رشته حقوق جزای عمومی بحث معاونت است. اینکه چه کسانی و تحت چه شرایطی معاون جرم می شوند و سهم آنان تا چه اندازه موثر است و نهایتاً مجازات آنان چه میزان است موضوع بحث معاونت است. معمولاً معاونان تحت انگیزه ها و موقعیت های گوناگون وارد صحنه جرایم می شوند. برخی ها با انگیزه مالی و وعده های مادی فریفته می شوند؛ برخی با انگیزه انتقام جویی، برخی با انگیزه های سیاسی و عقیدتی، برخی در نتیجه مغبون شدن و فریفتگی و ادراک پایین و برخی نیز به دلیل اینکه دارای رشد و عقلانیت پایینی هستند مثل مجانین و اطفال عنوان معاون جرم را پیدا می کنند. کم و بیش تحقیقاتی در موضوع مورد بحث در حقوق جزای ایران انجام یافته است؛ تحقیق حاضر کاوشی در این راستاست که با اسلوب رایج در نوشته های حقوقی در پی می آید: در نوشته حاضر کلیتاً از موضوع معاونت در جرم (موضوع تمامی جرایم) و مجازات معاونت در جرم بحث می شود.

## فصل نخست: معاونت در جرم

برای تحقق و موجودیت یک جرم لازم است سه رکن قانونی، مادی و روانی وجود داشته باشد تا بتوان مجازات را برای مرتکب آن اعمال کرد.

در شرایط حاضر عموماً رکن قانونی معاونت ماده ۱۲۶ قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۱ است که عناصر رکن مادی را در خود جای داده است. دلیل اینکه در اینجا مستقلاً از رکن قانونی سخنی به میان نیامده است از آن جهت است که از قول یکی از نویسندگان رکن قانونی پایه سایر رکن هاست و منطقی و شایسته نیست که همعرض عناصر مادی و روانی قرار بگیرد و این رابطه عقلاً طولی است. (میرمحمدصادقی، جرایم علیه اموال و مالکیت). به هر حال ماده مذکور پایه و بنای عنصر مادی معاونت را شکل داده است و البته این مهم هم قابل انکار نیست که جهت تعیین عنصر روانی در موارد خاص باید به همان ماده مربوطه مراجعه نمود؛ به عبارت بهتر تعیین محدوده و مصادیق عنصر مادی معاونت در آن موارد به همان ماده بر می گردد البته مقنن به جای تعریف عنصر مادی جرم، بیشتر به تعیین کیفر آن معاونت در آن جرم پرداخته و بایستی گفت که رسالت تعیین عنصر مادی بر دوش همین ماده ۱۲۶ است مگر در موارد استثنایی که گفته شد فی المثل تبصره ماده ۸۴۳ قانون مجازات اسلامی مجازات کسانی را که به قصاص نفس محکوم شده اند ولی به هر علتی فصاص نشده اند از یک تا پنج سال قرار داده است در صورتی که اقدام آنها موجب اختلال در نظم و امنیت جامعه گردد.

در تعیین مجازات معاونت در جرم هم باید اصل را بر ماده عمومی که ماده ۱۲۶ قانون جدید مجازات اسلامی باشد گذاشت و در جاهایی که نص خاصی وجود ندارد به همان رجوع کرد مثل مورد بالا . بحث مجازات معاونت موضوع قسمت دوم تحقیق حاضر است .

### **گفتار اول : عنصر مادی معاونت در جرم**

عنصر مادی بخش اصلی و مهم یک جرم را شامل می شود و آنچه در عالم واقع نمود پیدا می کند و قابل لمس و تجربه است همین عنصر است که ملاک قضاوت عرفی ، عقلی و قانونی قرار می گیرد . مثلاً در مورد جرم قتل این عنصر خود را به شکل و ظاهر کشتن و مرگ جلوه می دهد و یا در جرم سرقت به صورت ربودن و در مورد جرم توهین به صورت الفاظ و رفتارهای وهن آور . در مورد معاونت نیز وضع به همینگونه است و معاون رفتار خود را در بعد مادی به یکی از اشکال بروز می دهد مثل کمک کردن ، ترسانیدن ، فریب دادن و قالب های دیگر ... .

ماده ۱۲۶ قانون جدید مجازات اسلامی در سه بند عنصر مادی معاونت را برشمرد که به نظر حضری هم می باشد ولی دایره شمولیت بند " پ " به قدری وسیع است که به نظر تمامی مصادیق معاونت را در بر می گیرد چه عنوان " تسهیل " کلی و عام الشمول است و از این نظر مشکلی نیست .

در پایان باید گفت که شعبه دوم دیوانعالی کشور طبق حکم شماره ۱۱۶۶ نظر به این دارد که دادگاه در حکم خود مصداق معاونت را بیان کند .

### **مبحث اول : رفتار مادی**

رفتار مادی و صوری معاونت عموماً و اصالتاً مثبت و ایجابی است و با انجام اقدامی مثبت صورت می گیرد و به صورت ترک فعل دشوار اما جاهایی هم محتمل است هر چند که برخی حقوقدانان آن را ممکن نمی دانند چرا که اگر کسی از وقوع جرمی مطلع گردد و با وجود اینکه قانوناً موظف است آن را گزارش دهد یا حضور نیروهای امنیتی را درخواست کند با تحقق عنصر روانی ( وحدت قصد و وجود تقدم و اقتران زمانی بین عمل وی و مباشر جرم ) می شود عنوان معاون را بر وی نهاد .

بعد از این مختصر هر یک از افعالی که در قانون آمده با اندک توضیحی در پی می آید :

ترغیب:

ایجاد میل و رغبت در دیگری برای انجام کاری را گویند و این امر به هر شیوه ای قابل انجام است اعم از تشریحی توصیفی و تصویری و معنای نزدیک به آن ترغیب است به معنای آرزومند کردن به شوق آوردن . "ترغیب نوعی از تحریک ، و مرتبه خفیف تری از آن می باشد . در تحریک، شخص محرک تلاش می کند تا فکر و اراده ارتکاب جرم را در دیگری ایجاد نماید ، لیکن در ترغیب شخص می کوشد تا از راههای گوناگون میل به ارتکاب جرم را که در دیگری موجود است تقویت نموده و آن را به ارتکاب جرم مصمم سازد . لذا ،می توان گفت ، ترغیب ، تشدید میل و رغبت به ارتکاب جرم در دیگری است" (تقریرات آیت الله محمد حسن مرعشی مدرسه عالی شهید مطهری) و نیز "برای تحقق معاونت در جرم از طریق ترغیب مقتضی است ترغیب کننده آن چنان میل و رغبتی در دیگری به وجود آورده باشد که مباشر را مصمم به ارتکاب جرم کند" (گلدوزیان محشای قانون مجازات اسلامی ص ۵۲)

تهدید:

در لغت ترساندن و بیمدادن معنا شده است به معنای واداشتن دیگری به ارتکاب جرم می باشد و از نکات کلیدی آن این است که تهدید تهدیدکننده باید موثر باشد و البته نوع تهدید موثر نیست و مهم این است که این تهدید بیم و اضطرابی در مباشر او را به ارتکاب جرم می کشاند. "تهدید ترساندن و بیم دادن است . یعنی شخص از طریق ایجاد ترس جانی یا مالی یا حیثیتی برای دیگری او را به ارتکاب جرم وادار نماید . چنانکه در مبحث اکراه و اجبار آمده ، تهدید از مصادیق بارز اجبار معنوی است . لیکن برای تحقق آن شرایط چندی لازم است از جمله آن که باید عمل انجام شده عرفاً تهدید محسوب شود و به علاوه عمدی باشد ، زیرا «تهدید غیر عمدی وجود ندارد .» همچنین تهدید باید غیر قانونی و نامشروع باشد و موجب سلب کامل آزادی اراده گردد. تهدید امری نسبی و بستگی به اوضاع و احوال تهدید کننده و تهدید شده از قبیل خصوصیت روحی و جسمی و سن و شخصیت و اخلاق و جنس آنها دارد و باید به نحوی باشد که عرفاً تهدید تلقی شود . " (تقریرات آیت الله محمد حسن مرعشی مدرسه عالی شهید مطهری)

تطمیع:

در لغت به معنای به طمع انداختن و اذمند ساختن آمده است و نیز در تطمیع انگیزه ارتکاب جرم همواره مادی و مالی می باشد. تحریص نیز مترادف تطمیع است. "تطمیع خود نوع خاصی از ترغیب است با این تفاوت که در تطمیع انگیزه ای که موجب مصمم کردن مجرم اصلی به ارتکاب جرم می شود صرفاً جنبه مالی و مادی دارد . مثل اینکه قبل از وقوع جرم ، مبلغی به او داده و یا قول وجهی را به او بدهند و همین طور وعده انعقاد قرارداد پروژههای را به او پیشنهاد می نماید .

در حالی که در ترغیب وسیله ای که از طریق آن انگیزه ارتکاب جرم تشدید می شود می تواند جنبه مالی و غیر مالی داشته باشد" (همان منبع)

تحریک به ارتکاب جرم:

تحریک در لغت به معنای به حرکت در آوردن، جنباندن، و داشتن، برانگیختن آمده است و باید بیان داشت که تحدیدی که در این ماده مطلق بوده و تطمیع و ترغیب را شامل می شود و از نکات مهم این است که تحریک باید مستقیم و فردی و موثر باشد با مشمول این ماده گردد. نوع تحریک محلی از اعراب ندارد و هر نوع ترغیبی باشد را شامل می شود. "تحریک یا تحریض ممکن است به دو شکل انجام گیرد، گاه شخص اراده و تصمیم ارتکاب جرم را در ذهن دیگری خلق و ایجاد نماید و از این طریق فکر و اندیشه ارتکاب جرم را در دیگری بیدار می کند. در اینجا جرم در ذهن معاون وجود دارد ولی خود او از انگیزه کافی برای ارتکاب جرم برخوردار نیست نتیجتاً آن را به ذهن و فکر مرتکب اصلی منتقل ساخته و او را به ارتکاب جرم بر می انگیزد. و گاه شخص را که متمایل به ارتکاب فعلی است به انجام فعل مورد نظر تشویق و ترغیب می نماید. در این جا بر خلاف حالت قبل، فکر ارتکاب جرم به نحو متزلزلی در ذهن مرتکب اصلی وجود دارد اما برای ارتکاب جرم کافی نیست. لذا معاون «با ایجاد اطمینان خاطر و با قول به مساعدت در مواقع لزوم همچون دفاع در دادگاه و نگهداری از خانواده او وغیره ذلک وی را به ارتکاب جرم مصمم می سازد. بدیهی است در صورتی که مرتکب اصلی خود از قبل دارای انگیزه و اراده کافی برای ارتکاب جرم باشد، در اینجا تحریک معنی و مصداق خود را از دست خواهد داد. نویسنده کتاب معاونت در جرم می نویسد: «در واقع شکل اخیر تحریک بزه معاونت در جرم را بوجود می آورد.

حال آن که گفته شد شکل اخیر با ترغیب به ارتکاب جرم منطبق است نه تحریک. زیرا در ترغیب زمینه و هسته اولیه ارتکاب جرم در ذهن مرتکب اصلی موجود است و معاون آن را تقویت و تکمیل می نماید. بنابراین، تحریک عبارت از خلق و ایجاد اراده و تصمیم ارتکاب جرم در دیگری است.

اول - اقسام تحریک: تحریک انواع مختلف دارد و ممکن است به صور گوناگونی واقع شود. تحریک ممکن است مستقیم باشد. در عین حال تحریک ممکن است فردی یا جمعی باشد.

دوم - شرایط تحقق تحریک: تحریک علاوه بر شرایط عمومی رکن مادی معاونت در جرم، دارای چند شرط اختصاصی نیز باشد. ذیلآبه تعدادی از شرایط عمومی و اقتصادی آن اشاره می شود:

اولاً - باید محرک از طریق تحریک، فکر و اراده ارتکاب جرم را در شخص مباشر ایجاد نماید والاچنانکه گفته شد اگر مجرم از قبل دارای انگیزه کافی باشد موضوع تحریک تحقق نخواهد یافت ضمن آنکه این تحریک باید به حکم عقل مقدم بر فعل اصل بوده و به علاوه از طریق فعل مثبت باشد نه منفی.

ثانیاً - «محرک باید با قصد و اراده مجرمانه دیگری را تحریض و تحریک به ارتکاب جرم معینی نماید، زیرا

تحریک به ارتکاب جرم خواه در موردی که به عنوان یکی از طرق معاونت محسوب می شود و خواه زمانی که جرم خاص و مستقلی را تشکیل می دهد می بایستی توأم با سوء نیت باشد .  
ثالثاً - تحریک باید نسبت به ارتکاب جرم یا جرایم معینی صورت گیرد .  
البته لازم نیست از سوی محرک نحوه ارتکاب جرم دقیقاً ذکر شده باشد، بلکه صرف تحریک کفایت می نماید .

رابعاً - تحریک باید مؤثر باشد . به عبارت دیگر باید میان «تحریک» و نتیجه مجرمانه اصلی رابطه سببیت عرفی موجود باشد . یعنی تحریک در صورتی جرم تلقی می شود که به حد و اندازه ای باشد که عملاً در مجرم اصلی تاثیر گذاشته و به ارتکاب جرم یا لاقلاً شروع به جرم از ناحیه وی منتهی شود .  
خامساً - نظر قالب حقوقدانان آن است که تحریک باید مستقیم باشد یعنی معاون صریحاً خواستار ارتکاب جرم از ناحیه دیگری باشد . لذا ، صرف اظهار عواطف یا بیان بعض و کینه و یا صحبت کردن از امکان یک جرم و امثال آن تحریک محسوب نمی شود ولو آن که منتهی به ارتکاب جرم گردد . چه آنکه در اینجا شخص خواهان وقوع جرم نبوده و وحدت قصد موجود نمی باشد" ( تقریرات آیت الله محمد حسن مرعشی مدرسه عالی شهید مطهری)

دسیسه یا فریب:

دسیسه در لغت به معنای مکر و عداوت پنهانی و توطئه و فتنه انگیزی معنا شده است و فریب نیز به معنای خدعه و مکر و حيله بیان شده است. در این موارد لازم نیست که در مباشر جرم دسیسه و فریب مؤثر باشد همین که جرم واقع شود اکتفا می کند. "از شرایط معاونت آن است که جرم اصلی واقع شود . در اینجا نیز به صراحت ماده مرقوم ، دسیسه و فریب و نیرنگ ، در صورتی به عنوان معاونت قابل مجازات می گردد که «موجب وقوع جرم شود» اعم از آن که مستقیماً در مباشر جرم مؤثر واقع شود یا خیر . لذا ، چنانچه شخصی که می داند عدهای در صدد سرقت منزل حسن هستند به منزل او برود و با او گرم صحبت شود و یا او را به خارج از منزل دعوت نماید تا این عمل به سارقین فرصت ارتکاب سرقت را بدهد ، به عنوان معاون قابل مجازات خواهد بود ولو آنکه هیچ گونه اتفاق و ارتباطی هم میان آنها وجود نداشته باشد" ( تقریرات آیت الله محمد حسن مرعشی مدرسه عالی شهید مطهری)

سوء استفاده از قدرت:

این قید که در قوانین قبل به آن اشاره ای نشده بود و بیان نگردیده بود از ابداعات این قانون می باشد بدین توضیح که اگر کسی از قدرت خود سوء استفاده کند و باعث بروز جرم شود قابل مجازات به عنوان معاون جرم می باشد. در خصوص قدرت به نظر اعم از قدرت حکومتی و یا هر قدرتی می باشد به بر فرد استیلا دارد

و این امر می تواند در شرکت های خصوصی هم باشد که کارمند ها تحت مدیریت مدیر شرکت هستند و ممکن است آن مدیر از قدرت خود سوء استفاده کند و باعث بروز جرم شود و همچنین شامل قوای حکومتی نیز می شود.

ساخت وسایل ارتکاب جرم و یا تهیه آن:

اولین نکته این است که مباشر باید از این وسایل ساخته شده و یا تهیه شده استفاده کند تا مشمول بند فوق گردد. و فرق ساخت و تهیه در این است که در ساخت خود معاون می سازد مثل کلید نردبان و در تهیه می رود از جای دیگر خریداری می کند و یا سرقت می کند و تهیه اعم از این است که به شکل مجرمانه باشد یا غیر مجرمانه. "در واقع یکی از راههای مساعدت مادی مسبوق به ارتکاب جرم، تهیه آلات و ادوات جرم است. اگر چه اصولاً نخستین مفهومی که از «وسیله» به ذهن متبادر می شود و همچنین بیشترین نوع وسیله ای که عملاً در امر معاونت در جرم، مورد استفاده قرار می گیرد، وسیله منقول است. لیکن کلمه «وسایل» مذکور در بند ۲ اطلاق داشته و شامل وسایل منقول و غیر منقول می گردد. وسیله منقول از قبیل کلید و اسناد مجعول، سم، آلت قتاله، تفنگ، وسیله نقلیه و... و وسیله غیر منقول شامل تهیه و واگذاری مکان ارتکاب جرم به مجرم یا مجرمین اصلی می باشد. برای مثال ماده ۷۱ قانون مجازات اسلامی صراحتاً تهیه مکان وقوع جرم را معاونت محسوب نموده است. ماده مرقوم مقرر میدارد «هر کس از مقامات و مامورین دولتی یا قوای سه گانه یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیت دار در غیر مواردی که قانون جلب و توقیف اشخاص را تجویز نموده شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید به شش ماه تا سه سال حبس محرومیت از خدمات دولتی محکوم می شود. کسی که با علم و اطلاع برای ارتکاب جرم مزبور مکانی تهیه کرده و بدین طریق معاونت با مرتکب نموده باشد به مجازات شلاق تا 74 ضربه یا ... محکوم خواهد شد.

برای اینکه تهیه وسایل ارتکاب جرم معاونت تلقی شود لازم است تا معاون ولو به نحو اجمال، از قصد مجرمانه مرتکب اصلی «علم و اطلاع» داشته باشد یعنی بداند مرتکب از این وسیله برای ارتکاب جرم استفاده خواهد کرد. بنابراین، اگر شخصی سلاح خود را برای شکار قرض دهد و شخص دریافت کننده سلاح از آن برای قتل ثالثی استفاده کند صاحب سلاح معاون در جرم قتل نخواهد بود.» در معاونت تهیه وسایل لازم نیست که رابطه مستقیم و فوری بین مجرم اصلی و معاون وجود داشته باشد. کسی که اطلاعات لازمه یا وسایل ارتکاب جنایت را به مجرم می دهد ممکن است از شخص ثالثی کسب کند، شخص ثالث هم اگر به جریان کار واقف باشد معاون تلقی می شود.

شرط دیگر معاونت از طریق تهیه وسایل ارتکاب جرم، آن است که مجرم از وسیله مزبور در اجرای اهداف خود استفاده نماید. به عبارت دیگر، دریافت کننده وسیله، با استفاده از آن مرتکب جرم یا لاقلاً شروع به



جرم شده باشد، در غیر این صورت معاونت تحقق نخواهد یافت. به عبارت دیگر هر گاه دریافت کننده وسیله مرتکب هیچگونه عمل مجرمانه نشود و یا با استفاده از وسیله مزبور نشود، برای مثال کسی که تفنگ خود را برای ارتکاب قتل به دیگری بدهد ولی فاعل با استفاده از چاقو مرتکب قتل شود معاونت محقق نخواهد شد. علی هذا، معاونت از طریق تهیه وسایل ارتکاب جرم مستلزم تحقق سه شرط شامل تهیه وسیله، قصد مساعدت و تسهیل وقوع جرم و در پایان استعمال آن در اجرای جرم می باشد.

"(تقریرات آیت الله محمد حسن مرعشی مدرسه عالی شهید مطهری)

ارائه طریق ارتکاب جرم:

بدین معنا است که به مباشر جرم یاد دهید که چگونه جرم را انجام دهد و این می تواند به شکل با خبر کردن دشواری ها و سختی های کار باشد که همین امر به نحوی ارتکاب جرم را هموار می کند "دادن اطلاعات مبهم و ساده، برای تحقق ارائه طریق در ارتکاب جرم کافی نیست و راهنمایی باید صراحتاً و با آگاهی از ماهیت عمل مجرمانه به عمل ایدو بدین وسیله موجبات ارتکاب جرم فراهم شود" (گلدوزیان محشای قانون مجازات اسلامی ص ۵۲)

"در اینجا راهنمایی و ارائه طریق، نوعی مساعدت معنوی است و شامل هر نوع اطلاعاتی است که به نحوی از انحاء مباشر را بر نحوه ارتکاب جرم یا بر وسایل و ادوات آن یا بر نحوه استفاده از وسایل مزبور آگاه می سازد. برای مثال، در جرم سرقت آگاه نمودن سارق از محل وجود اموال مورد نظر یا نحوه ورود به منزل و کیفیت باز کردن قفلها... و یا در جرم قتل آگاهانیدن مجرم از محل استراحت مجنی علیه یا ساعت و مسیر حرکت او و... میتواند ارائه طریق محسوب شود. ارائه طریق، همچون «تهیه وسایل ارتکاب جرم» اصولاً قبل از وقوع جرم انجام میشود و همچنانکه می تواند شفاهی باشد میتواند کتبی یا عملی و از طریق ایما و اشاره صورت گیرد. البته باید روشن و برای ارتکاب جرم باشد.

«تعلیمات مبهم معاونت محسوب نمی شود». به علاوه باید اینگونه ارشادات در وقوع جرم موثر بوده و مجرم را در ارتکاب جرم یاری نماید. بنابراین اگر جرم اصلی واقع نشود و یا حداقل وارد مرحله شروع به جرم نگردد و یا مجرم از راهنمایی های انجام شده در طریق ارتکاب جرم استفاده ننماید معاونت قابل مجازات نخواهد بود» چه آن که طریق فی حد ذاته جرم محسوب نمیشود، لذا اگر کسی به سارق نحوه ورود به منزل مورد نظر را از درب اضطراری راهنمایی کند، ولی سارق در آخرین لحظه از تصمیم خود منصرف شده از راه دیگر، یا به کیفیت دیگری بر مال مستولی شود معاونت در جرم سرقت محقق نخواهد بود" (تقریرات آیت الله محمد حسن مرعشی مدرسه عالی شهید مطهری).

تسهیل ارتکاب جرم :

برای تحقق این امر دو شرط لازم است ۱. تسهیل با علم و اطلاع باشد ۲. اعمال تسهیل کننده با وقوع جرم ارتباط مستقیم داشته باشد. به بیان دیگر یک نوع ارتباط منطقی و عرفی بین فعل معاون و مباشر وجود داشته باشد. " رای تحقق این مصداق از معاونت ، چند شرط لازم است . نخست آن که معاون اموری را که عرفاً تسهیل وقوع جرم نامیده می شود انجام دهد و دیگر اینکه این امور عالمأ، عامداً و در جهت تسهیل وقوع جرم صورت گیرد . یعنی با علم و اطلاع از این که جرمی در حال وقوع است در اجرای عملیات مجرمانه کمک و مساعدت کند . چنانکه قبلاً و در بحث از وسایل جرم گذشت ، قانون گذار تسهیل وقوع جرم را در صورتی قابل مجازات می داند که عالمأ و عامداً صورت گیرد و این بدان جهت است تا مواردی از تسهیل جرم را که به صورت غیر عمدی و جاهلانه انجام می گیرد ، از مصادیق معاونت خارج نماید . چه آن که تسهیل وقوع جرم آن گونه نیست که علم و عمد معاون در ارتکاب آن مفروض باشد. " ( تقریرات آیت الله محمد حسن مرعشی مدرس عالی شهید مطهری)

بحث در این باره زیاد است ولی در اینجا سعی شد به مفاهیم اصلی موارد بالا اشاره گردد .

#### **مبحث دوم : اوضاع و احوال حاکم بر معاونت در جرم**

یکسری شرایطی وجود دارد تا محقق نشود معاونت نیز بوجود نخواهد آمد ؛ این شرایط خاص معاونت است که بدان می پردازیم :

۱- تحقق و انشای توافق : حقوقدانان بر این عقیده اند که برای تحقق معاونت لازم است که بین معاون و مباشر اصلی برای انجام رفتاری ناقض قانون قبلاً توافق و هماهنگی شکل بگیرد و در واقع جرم نوعاً مسبوق تلاقی اراده ها باشد ؛ مثال اینکه برای ارتکاب جرم قتل باید قبل از ورود به صحنه راجع به اینکه چه کسی ، به چه نحوی و در کجا کشته شود بین معاون و مباشر هماهنگی و تبادل صورت گیرد و الا اساساً بحث معاونت منتفی می شود و این همان است که مقنن از آن به عنوان " وحدت قصد " یاد می کند .

۲- علم و آگاهی معاون از ماهیت مجرمانه عمل مباشر : معاون باید بداند و آگاه باشد که در انجام یک جرم به دیگری مدد می رساند بنابراین اگر کسی به تصور اینکه دوستش قصد شکار دارد برای وی اسلحه ای تهیه کند اما بعداً بفهمد که دوستش با همان اسلحه قتلی را مرتکب شده است ، معاون در جرم قتل نخواهد بود .

۳- عمل ارتكابی جرم باشد : بنا به دیدگاه " استعاره مجرمیت " معاونت یک عمل مجرمانه مستقل نیست بلکه امری تبعی و فرعی است لذا تحقق آن مستلزم وجود فعل مجرمانه اصلی است تا معاون عنصر قانونی عمل خود را از آن فعل عاریت بگیرد و معاون قابل مجازات باشد .

معاونت در شروع به جرم نیز قابل مجازات است آنجا که شروع به جرم مطابق قانون جرم باشد اما شروع به معاونت در جرم قابل مجازات نیست . مثلاً اگر کسی دیگری را تحریک به ارتكاب جرمی کند ولی از ناحیه تحریک شده عملی سر نزند ، تحریک شده مستوجب مجازاتی نیست و به طور کلی معاون وقتی مستوجب مجازات است که فاعل اصلی مرتکب جرمی شود یا شروع به اجرای آن بنماید . بنابراین اگر زنی به طفل دوازده ساله سم دهد که به شوهر سابق او بخوراند ، ولی عملی از او سر نزده باشد معاون نیز قابل مجازات نیست . ( شعبه ۵ دیوان کشور ۳۵۹۸-۱۳۱۹-۳۰۱۰ )

۴- شرط تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم : تبصره ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی جدید با لحاظ این بند موافق رویه قانون سابق حرکت نموده است و باید گفت که ذات کار معاونت نیز همین است و الا همکاری با کسی که رفتار مجرمانه را به پایان رسانده است نمی تواند افاده معنای مذکور کند و به احتمال جرم مستقلاً را شکل دهد . مصداق این موضوع ماده ۷۸۵ ق . م . ا جدید است که دقیقاً اشاره به آن دارد به این شکل : " هر کس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند از قبیل اینکه برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد . " این شرط با وحدت قصد ملازمه و تطابق دارد و تقدم یا اقتران زمانی عمل معاون بدون وحدت قصد بین معاون و مباشر جرم تاثیری در پیدایش معاونت ندارد .

۵- اقدام مباشر اصلی حداقل به مرحله شروع به جرم رسیده باشد : در صورتی می توان کسی را به اتهام معاونت متهم ساخت که مباشر اصلی رفتاری را که شروع نموده حداقل به مرحله شروع به جرم برساند و مضاف بر آن این شروع به جرم نیز همانگونه که در سطور پیشین گفته شد قانوناً جرم انگاری شده باشد .

#### **مبحث سوم : رابطه سببیت**

لازم است عمل معاون متصل و عامل تاثیرگذار در جرم باشد و بالواقع نوعی رابطه و پیوند بین عمل معاون و نتیجه حاصله برقرار باشد بگونه ای که به نحو متعارف بتوان گفت که عمل معاون در وقوع جرم دخیل و موثر بوده است . باید گفت که این رابطه سببیت را عرف تعیین و قضاوت می کند . " گفته اند رابطه سببیت

باید آنچه‌ان باشد که اگر عمل معاون نبود ، جرم اصلی واقع نمی گردید و یا لاقلاً به نحوی که واقع شده است اتفاق نمی افتاد . "

### **گفتار دوم : عنصر روانی معاونت**

عموما علم ، عمد و اراده عناصر روانی یک جرم را شکل داده اند و در معاونت نیز همین مقولات باید صورت پیدا کنند تا معاونت محقق شود یعنی معاون باید با قصد مجرمانه مرتکب اصلی را در ارتکاب جرم یاری بخشد ؛ در واقع معاون باید با علم و آگاهی و خواستن انجام جرم این کار را انجام دهد . نکته اینکه معاون تنها نسبت به جرایمی که قصد و اراده تحقق آن جرم که در ذهن داشته مواخذه می گردد و خارج از این محدوده مسئولیتی علیه وی متوجه نیست مثلاً اگر شخص " الف " بخواهد که در سرقت به " ب " کمک کند ولی " ب " علاوه بر جرم سرقت مرتکب قتل نیز بشود که در این صورت شخص " الف " تنها نسبت به سرقت مواخذه می شود و هیچ مسئولیتی در قبال قتل ندارد ولی در جایی که معاون بدون تعیین جرم خاص اسلحه در اختیار قرار می دهد قرینه ای بر این است که برایش تفاوتی ندارد که چه جرمی اتفاق بیفتد لذا مسئولیت وی در قبال تمامی جرایم استوار می شود بالاخره در جایی که نتیجه حاصله خفیف تر از جرم مدنظر معاون است به طریق اولی مجازات معاون برای ارتکاب آن جرم بلا اشکال می گردد .

در جرایم غیرعمدی اختلاف نظر شده است که آیا معاون در این دسته از جرایم مستحق مجازات است یا نه ؟ و آیا اصلاً جرمی علیه وی متوجه است یا خیر ؟ دیوانعالی کشور در آرای متعددی معاونت در جرایم غیرعمدی را که می شود گفت عمدتاً مربوط به جرایم در حکم شبه عمد است ممکن دانسته است لذا راننده ای که رل ماشین را به شاگرد خود که می دانسته پروانه ندارد و از رانندگی بی اطلاع است بدهد و در نتیجه منجر به قتل شود عمل راننده معاونت محسوب می شود . به هر حال نظریات در این باره مختلف است ولی نظر مشهور حقوقدانان و رویه قضایی قابل اعتناست .

### **فصل دوم : مجازات معاونت در جرم**

ماده ۱۲۷ قانون جدید مجازات اسلامی تکلیف مجازات معاونت در جرم را مشخص کرده است به این شرح :  
" در صورتی که در شرع یا قانون مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد ، مجازات وی به شرح زیر است :

الف : در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات یا حبس دائم است حبس تعزیری درجه دو یا سه .

ب : در سرقت حدی و قطع عمدی عضو ، حبس تعزیری درجه پنج یا شش .

پ : در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی است سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش .

ت : در جرائم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین تر از مجازات جرم ارتكابی .

تبصره ۱ در مورد بند ( ت ) این ماده مجازات معاون از نوع مجازات قانونی جرم ارتكابی است مگر در مورد مصادره اموال ، انفصال دائم و انتشار حکم محکومیت که مجازات معاون به ترتیب جزای نقدی درجه چهار ، شش و هفت است .

تبصره ۲ در صورتی که به هر علت قصاص نفس یا عضو اجرا نشود ، مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر فاعل اصلی جرم ، مطابق بند ( ت ) این ماده اعمال می شود . "

با عنایت به صدر ماده مزبور اگر در شرع برای معاونت مجازاتی تعیین شده باشد همان مجازات اعمال می شود که با توجه به اصول جزایی قابل تامل است چرا که تفاسیر گوناگون از شرع همراه با سلايق شخصی قضات ، آزادیهای افراد را در معرض مخاطره قرار داده و از قرار گرفتن در مسیر عدالت قضایی محروم می سازد .

مقصود از کیفر سلب حیات یا حبس دائم شامل تمامی کیفرها اعم از حدود ، قصاص ، دیات ، تعزیرات و بازدارنده است که مستلزم حبس تعزیری درجه دو یا سه یعنی حبس های بیش از پانزده سال تا بیست و پنج سال یا بیش از ده سال تا پانزده سال می باشد که قاضی بسته به اوضاع و احوال گوناگون کیفر مقتضی را اتخاذ خواهد کرد . منظور از حبس تعزیری درجه پنج یا شش حبس بیش از دو تا پنج سال و حبس بیش از شش ماه تا دو سال است ؛ در جرائمی که مجازات شلاق حدی دارند صراحت مطلب جایی را برای بازگویی نمی گذارد . مطلب اساسی و قابل ذکر این است که قانون صریحاً مجازات معاون در جرائم تعزیری را تعیین کرده و میزان آن را تا یک تا دو درجه پایین تر از مجازات جرم اصلی قرار داده است لذا اگر مجرم اصلی به مجازات درجه ۱ محکوم شود معاون باید به مجازات درجه ۲ یا ۳ و اگر به مجازات درجه ۴ محکوم شود قاضی باید معاون او را به مجازات درجه ۵ یا ۶ محکوم کند و قس علیهذا ... این محکومیت بستگی به نقش وی در جرم و نوع همکاری با مجرم اصلی داشته و احتمالاً اگر با ماموران دولتی و در کشف جرم سهیم بوده تعیین خواهد شد لذا با وجود این ماده قاتونگذار در قانون جدید ماده سابق را که در جرائم قابل تعزیر مجازات معاون را حداقل مجازات مرتکب قرار داده بود نسخ کرده است . اما استثنایی که در بند ( ت ) وجود دارد راجع به مصادره اموال ، انفصال دائم و انتشار حکم محکومیت است که مجازات معاون به ترتیب جزای نقدی درجه چهار ( بیش از یکصد و هشتاد میلیون ریال تا سیصد و شصت میلیون ریال ) درجه شش (

بیش از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال ) و درجه هفت ( بیش از ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال ) تعیین شده است و سرانجام در صورت عدم اجرای قصاص نفس یا عضو به هر علت مجازات معاون بر اساس میزان تعزیر مجرم اصلی مطابق همان بند ( ت ) اجرا می شود که در اینجا اختیار دست قاضی است و این اعطای اختیار از سوی قانونگذار به نظر باز با اصل قانونی بودن مجازات ها تغایر پیدا می کنند . بدیهی است که اگر در قانون خاص جزایی و یا حتی قانون مجازات اسلامی جدید ، مجازات معاون مستقلاً آمده باشد همان مجازات به عنوان مجازات خاص معاون به مورد اجرا گذارده خواهد شد و اعتنایی به ماده مذکور نخواهد بود چه که قانون خاص مقدم بر قانون عام است ؛ در واقع در این موارد با مجازات های خاص معاونت مواجهیم . اگر معاونت عنوان خاص مجرمانه باشد مجازات آن عنوان را مستقلاً خواهد داشت . بالاخره مقنن با تصویب قانون جدید مجازات اسلامی ( ۱۳۹۲ ) تحولاتی را در زمینه معاونت و مجازات آن را ایجاد کرده است از جمله اینکه با برداشتن ماده ۴۳ سابق ، مجازات خیلی از جرایم را تعیین کرده است با وجود اینکه با لحاظ عنوان " شرع " باز بر ابهامات افزوده است . نسخ ماده ۷۲۶ سابق نیز یکی از این اقدامات بوده است که مشکل ابهامات ناشی از " حداقل مجازات ارتكابی " را حل اما باز در جای خود بدور از نقد نیست و سرانجام خود ماده نیز نقاط قوت و ضعفی دارد که جای تحقیق مفصلی را می طلبد .

" و صل الله علی محمد و آله الطاهرين "

## فهرست منابع

- ۱: اردبیلی ، محمدعلی ، حقوق جزای عمومی ، نشر میزان ، تهران ، ۱۳۸۴
- ۲ : جهانگیر ؛ منصور ، قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ ، چاپ ۱۰۴ ، نشر دیدار ، تهران ، ۱۳۹۲
- ۳ : گلدوزیان ؛ ایرج ، محشای قانون مجازات اسلامی ، نشر میزان ، تهران ، ۱۳۸۳
- مرعشی ؛ آیت الله محمد حسن ، تقریرات ، مدرسه عالی شهید مطهری ، تهران ، بی نا ، بی تا
- ۴ : مجموعه نظریات مشورتی دیوانعالی کشور ، تهران ، ۱۳۸۸
- ۵ : مجموعه آرای وحدت رویه دیوانعالی کشور ، تهران ، ۱۳۸۸